

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

الکساندر مزیایف

برگردان از: ا. م. شیری

۱۶ جولای ۲۰۱۲

صربرنیتسا.

وحشت غرب از حقیقت

همه ساله «جامعه» به اصطلاح «بین المللی»، روز ۱۱ جولای را به نام روز یادبود قربانیان نسل کشی بوسنیائیا گویا به دست صربها برگزار می کند. به طوریکه «رسانه های جهانی» تأکید می کنند، در این روز، پس از سقوط شهر صربرنیتسا، ارتش صربهای بوسنی در حدود ۸ هزار نفر شهروند غیرنظامی را بازداشت کرد. بر اساس ادعای رسانه ها، حادثه صربرنیتسا عظیم ترین جنایت جنگی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا به حساب می آید. دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق این مدعا را به اساس «واقعیتها» که بعدها مورد تأیید دادگاه بین المللی سازمان ملل متحد قرار گرفت، در حضور خبرنگاران تأیید کرد. به نظر می رسد که همه چیز روشن است...

و اما پس از اتخاذ این تصمیمات، در بوسنی و یکسری کشورهای اروپائی قوانینی مبنی بر مسؤولیت جنائی در مقابل «انکار واقعیت نسل کشی، معین شده از سوی محاکم بین المللی» به تصویب رسیدند. اگر فوراً این دو ستون عدالت بین المللی، واقعیت نسل کشی در صربرنیتسا را تأیید می کردند، نتیجه چه می شد؟ و از اینجا «جزئیات» قابل تأملی آغاز می شود.

اولاً- واقعیت نسل کشی در دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق مجموعاً در یک پرونده، پرونده ژنرال رادیسلاو کرستیچ تأیید شد. اما در پرونده رادیسلاو کرستیچ مشخص نشده بود که چه کسی نسل کشی را طراحی کرد و چه کسی آن را به اجراء در آورد. ژنرال کرستیچ به اتهام همدستی در نسل کشی نامعین، بدون اطلاع از برنامه ریزی و اجرای آن محکوم گردید. در تمام پروسه های محاکمه، هیچ کس دیگری به جرم نسل کشی محاکمه نشد. آنچه که به دادگاه بین المللی سازمان ملل متحد مربوط می شود، این است که آن، به طور کلی به پرونده صربرنیتسا رسیدگی نکرد، بلکه به «واقعیت» مورد تأیید دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق استناد کرد. یعنی، نه دادگاه بین المللی

یوگسلاوی سابق، نه دادگاه بین المللی سازمان ملل متحد هیچ گونه واقعیتهایی دال بر نسل کشی را مشخص نکردند! اما اینک چنان بر این «واقعیتها» اصرار دارند که هیچ کس (از بیم مجازات جنائی) حق ندارد آن را زیر سؤال ببرد! هر سال که می گذرد، داستان «نسل کشی بوسنیائیها در صربرنیتسا» به طور فزاینده ای از هم می پاشد و چون باور به این افسانه مشکل می شود، تدابیر شدیدی برای کتمان ابدی واقعیت حوادث صربرنیتسا اتخاذ می گردد.

اولا- دادگاه جنائی لاهه هیچ کیفرخواستی برای هیچ شخصی به اتهام ارتکاب نسل کشی علیه صربها صادر نکرد. مطالعات بی طرفانه پژوهشگران نشان می دهند، که اتفاقا صربها قربانیان اصلی جنگهای بوسنی بودند. اما و در باره جنگ بوسنی به طور کلی، و در مورد حوادث صربرنیتسا به ویژه، دادستان دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق تصویری را ایجاد کرده است که انگار هیچ جنایتی علیه صربها اتفاق نیفتاده است! با این وجود، سردهسته جنایتکاران جنگی در بوسنی- ناصر اوریچ- را ظاهر سازانه به جنایت علیه کرواسیها متهم کردند! حتی شاهدان دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق گواهی دادند که تا وقوع حوادث ماه جولای سال ۱۹۹۵، دقیقاً صربها قربانی نسل کشی گردیدند و ناصر اوریچ هم قصاب اصلی آن بود!

ثانیا- دیوان کیفری لاهه برای مکتوم نگاه داشتن واقعیت به هر کاری، حتی به پروسه های تحت بررسی نیز متوسل می شود. سال ۲۰۱۲ نقش مهمی در افشای این افسانه بازی کرد. شاهد عینی صربرنیتسا، در واقع «شاهد اصلی دادگاه لاهه» درازن اردموویچ از لیست شاهدان پرونده رادوان کاراجیچ، رئیس جمهور سابق جمهوری صرب بوسنی حذف گردید. دلیل آن روشن است. او بسیار پیش از محاکمه کاراجیچ، شاهد خطرناکی «برای دادستانی!» به حساب می آمد. ولی کاراجیچ موفق شد اردموویچ را به سالن دادگاه بیاورد، و توانست ضربه جدیدی بر «حقیقت» بدنام، جرم از مدتها پیش «ثابت شده» صربهای بوسنی وارد آورد.

بالاخره، و در خود بوسنی کارهای زیادی برای «اثبات واقعیت»، در واقع برای کتمان حقیقت انجام می شود. تمامی نهادهای قضائی دیوانعالی رسیدگی به جنایت جنگی در بوسنی و هرزه گوین که در حال حاضر پرونده صربرنیتسا را بررسی می کنند، دوستانه تصمیم گرفتند شاهد عینی، درازن اردموویچ را حذف کنند! در رابطه با پرونده دوشکو اویچ و دیگران هم چنین کردند! البته این هم قابل درک است. زیرا، خلاف کاراجیچ، متهمان این پرونده ها در محل وقوع حادثه بودند، همراه اردموویچ با هم خدمت می کردند، و اردموویچ نمی توانست بازپرسی چندجانبه آنها را تحمل کند. پس از چهار ماه مرحله دفاعی رادوان کاراجیچ آغاز می شود، این مرحله، یقیناً، اطلاعات جدیدی را که حتی قبلاً نمی توانستند یا نمی خواستند در اختیار دیگر متهمان قرار دهند، به دست خواهد داد. مسأله بر سر این است که تقریباً همه متهمان برای روشن کردن واقعیت پرونده آماده اند. خود شیوه آنگلو- ساکسونی محاکمه نشان می دهد که دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق، نه تنها قصد روشن کردن حقایق را ندارد، بلکه فقط در پی حل این مسأله است که آیا این متهمان در وقوع این یا آن جنایت مقصراند یا نه؟ اتفاقی نیست که مثلاً، «شاهد عینی» صربرنیتسا، اردموویچ در جریان بازپرسی همه جانبه سلابادان میلوشویچ با مشکلات عدیده ای مواجه گردید. ضمن این که خود وکلا اغلب در همه هفت مورد محاکمات، بر مسائل کاملاً آشکار چشم فروبستند.

بالاخره، جریان محاکمه ژنرال ملادیچ می تواند خطرناکترین ضربه را به «افسانه صربرنیتسا» وارد آورد. همین روزها ادای شهادت شاهدان شروع شد. ۹ ماه جولای اولین شاهد، اودین پاشیچ، در دادگاه حاضر شد و شهادت داد. لازم به گفتن است که دادستان نمایش قابل تأملی را سازمان داده است. در این صحنه، فرد جوانی در میان حق و گریه ها، از دردها و رنجهای خود در جریان جنگ بوسنی در ماه نومبر سال ۱۹۹۲ صحبت می کرد. دادستان نیز به سختی جلوی اشکهای خودش را می گرفت. رئیس دادگاه برای آرام کردن شاهد، ساعت تنفس اعلام کرد.

و اما، برخی نکات نشان‌دهنده این واقعیت که، شاهد حتی یک لحظه هم کنترل خود را از دست نمی‌داد، نمی‌توانست از چشم ناظر با تجربه پنهان بماند. علاوه بر آن، او بهتر از همه شاهدان بر خودش مسلط بود. یکی از رویارویی‌های دائمی دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق ضرورت پاسخگویی به پرسش قاضی، (نه متهم یا وکیل او) می‌باشد. این، در واقعیت امر، چون برای هر کس طبیعتاً مشکل است که درست به پرسش سؤال کننده جواب دهد، بنابر این، حتی شاهدانی که این سناریو حفظ کرده و آن را اجراء می‌کنند، دو باره به گفت و گوی «عادی» با سؤال کننده باز می‌گردند. مسأله دیگر این که، تلاش مستمر شاهدان برای دادن پاسخ سریع به سوالات، به طوری که حتی مترجمان از ترجمه آنها عاجز می‌مانند. گاهی اتفاق می‌افتاد که این مسأله را دهها بار به شاهدان تذکر می‌دادند ولی، شاهدان فقط ۵- ۱۰ دقیقه این تذکرات را عایت می‌کردند، و شاهد دوباره به مکث «طبیعی» بین سؤال و جوابی که در زندگی معمولی عادت کرده است، بر می‌گشت. بدین ترتیب، اودین پاشیچ، شاهد، هیچگاه لزوم پاسخگویی به چه کسی را از یاد نبرد، و حتی یکبار هم از مکث لازم خارج نشد. یعنی شاهد، مطمئناً، کاملاً بر اوضاع مسلط بود، و اشکال حرکات ظاهری او روحیه واقعی درونی وی را منعکس نمی‌کرد.

در ارتباط با این، مهم نیست اودین پاشیچ چه داستانی تعریف کرد و به هیچ ارتباطی بین جنایت روی داده و ژنرال ملادیچ اشاره نکرد. شاهد مرتب تأکید می‌کرد که «صربها» به این جنایت دست زدند. چنین «مدرکی» بیشتر نشانه نفرت به ملت دیگر (به عبارت دقیق تر، به پیروان ادیان دیگر، با احتساب این که بوسنیایی‌ها فقط به لحاظ تعلق دینی با صربها تفاوت دارند) به جای سرزنش ژنرال ملادیچ شمرده می‌شود. صرفنظر از حق هق دائمی، شهادت شاهد در مواردی، مثلاً، وقتی که وی مسأله مشاهده «تانکهای با آرم ستاره سرخ» را توضیح می‌داد، مضحک هم بود. این بخش سریال، برای آرامش روح بود نه برای دادگاه. با این وجود، کاملاً واضح است که با چنین شهادتی رسیدن به چنین هدفی ممکن نیست. اولین شاهد بخش اصلی محاکمه در دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق می‌بایست نقش و اگذار شده به او را بازی می‌کرد. بلیطهای تئاتر دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق از چندی قبل، پیش فروش شده بود! لازم به گفتن است سناریو به روی صحنه رفت.

آنچه به متهم کردن ژنرال رادکو ملادیچ به نسل کشی اتفاق افتاده در صرب‌نیتسا مربوط می‌شود، این است که اولین شهادت را باید شاهد مخفی «ار ام ۲۵۵» (RM-255) ۱۳ جولای بدهد. در هر حال، صرفنظر از آن که هنوز در جلسه دادگاه شهادت هیچ یک از شهود شنیده نشده بود، نهاد قضائی رسیدگی به پرونده ژنرال ملادیچ یکسری حکمهایی در محکومیت وی صادر کرده بود. در دیوان کیفری لاهه این کار، مثلاً، بر اساس «واقعیت‌های به اثبات رسیده در محاکمات دیگر»، به سهولت انجام می‌شود. نهاد قضائی رسیدگی به پرونده ژنرال ملادیچ مثلاً، «معین کرده است» که «پس از تصرف صرب‌نیتسا در ۱۱ جولای سال ۱۹۹۵، واحدهای ارتش صربهای بوسنی با آتش زدن خانه‌های مسلمانان بوسنی» کارزار خود را آغاز کردند یا «پس از ورود نیروهای صرب به پاتوچاری، مسلمانان با ترور، کشتار و تجاوز مواجه شدند». به عبارت دیگر، یعنی جرم ارتش صربهای بوسنی هر چند که حتی یک شاهد در دادگاه ژنرال شهادت نداده، «محرز» و اعلام شده است. افزون بر آن، اینک متهم باید بی‌گناهی خود را ثابت کند. اساس فعالیت دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق، بر فرضیه مجرمیت مبتنی است! چنین است عالی‌ترین معیار «عدالت بین المللی» معاصر!

و قطعاً همه واقعیت‌های مربوط به حادثه صرب‌نیتسا روشن خواهد شد. تا کنون واضح است که نسخه غربی و مورد حمایت طرف بوسنی و «تأیید شده» از سوی محاکم بین المللی، بر مبنای جعلیات تنظیم شده است. سنگین‌ترین ضربه بر آن، در جریان محاکمه رادوان کاراجیچ و راتکو ملادیچ وارد خواهد آمد. در اینجا شعار اصلی وکیل

ژنرال ملادیچ را یادآوری می کنیم. او گفت: «ما از روشن شدن حقایق نمی ترسیم! بگذار کسانی که نه تنها در باره «صربهای جنایتکار» افسانه ها ساختند، «جنگ در بوسنی را سازماندهی کرده و یوگسلاوی را تجزیه نمودند، از آن بترسند».

پی نوشت مترجم:

علاوه بر همه آنچه که محققان و پژوهشگران بی غرض تاکنون در باره حوادث منجر به تجزیه یوگسلاوی و نقش رژیمهای فوق ارتجاعی غرب امپریالیستی در کشتارها و نسل کشیهای دهشتناک سالهای تجزیه بالکان و دیگر نقاط جهان نوشته اند، به نظر می رسد پاسخ صریح و بی پرده به این سؤال اساسی که: در سالهای ۹۰ قرن گذشته میلادی در جهان چه اتفاق افتاد و چه نیروئی درخت کنهسال دوستی و برادری بین خلقها و ملتها، بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف را که در طول قرون و اعصار متمادی با هم و در کنار هم، در صلح و دوستی و برادری زندگی می کردند، بر افکند و به جای آن نهال دشمنی بین آنها کاشت و با خون زنان و کودکان، پیران و جوانان مطلقاً بیگناه آن را آبیاری کرد، همه وقایع و حقایق، از جمله، مربوط به حوادث یوگسلاوی و عاملان آنها روشن خواهد شد و روشن خواهد شد که چگونه تروریستهای «حقوق بشری» و «دموکراسی خواهی» تحت فرمان امپریالیسم جهانی، اجساد قربانیان خود را به همراه اجساد مردگان طبیعی بیرون کشیده شده از سردخانه های بیمارستانها و گورستانها، در انظار عمومی به عنوان قربانیان خشونت دولتهای «نامطلوب» نشان دادند تا به اهداف کثیف استعمارگران غرب، جامعه عمل ببوشانند.

روند حوادث و رویدادهای امروزی جهان همه حکایت از آن دارند که دور نیست آن روز که با تابش اولین اشعه های آفتاب حقیقت، این کاشته بی ریشه ارتجاع امپریالیستی، به سرعت خواهد خشکید و همان ملتها و خلقها، باورمندان به ادیان و مذاهب مختلف از همان فردای دفن امپریالیسم جهانی باز هم در کمال صمیمیت و صفا، مودت و برادری سرنوشت خود را به هم گره خواهند زد.

<http://www.fondsk.ru/authors/aleksandr-mezjaev.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/07/15>

۲۵ تیر [سرطان] ۱۳۹۱